

مطالعه و تصحیح رساله‌ای از نظام‌الدین احمد گیلانی درباره خواص برخی از گیاهان

محمد حسن بهنام‌فر^{الف*}، مهدی وزین افضل^ب

^{الف} دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه تهران

^ب عضو هیات علمی دانشگاه جیرفت کرمان

چکیده

سابقه و هدف: با توجه به تعدد و اهمیت اطلاع از خواص گیاهان و نظر به اهمیت اطلاع از نظریات عالمان و خبرگان در مورد خواص گیاهان دارویی ضروری است به آثار نظام‌الدین احمد گیلانی، یکی از این عالمان که به دربار قطب شاهیان وارد شد و آثار بسیاری از خود به جای گذاشته است، بپردازیم؛ اگرچه هنوز تحقیق بر روی همه آنها صورت نگرفته است. در این مقاله یکی از رساله‌های او را مورد مطالعه و تصحیح قرار می‌دهیم.

مواد و روش‌ها: نسخه مورد مطالعه، انتخاب شده از مجموعه‌ای است که در مرکز اسناد کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود. این مجموعه دارای ۱۳ رساله است که با شماره ۳۲۲۳، مشخص و با نستعلیق خوش، و در ۱۰۴ صفحه نیز تدوین شده است. رساله مورد بررسی، رساله ششم از این مجموعه است که در خواص برخی از گیاهان مانند هلیله و بابونه و رازیانه و... به زبان فارسی نگاشته شده است. این رساله صفحات ۶۸-۶۳ از این مجموعه را شامل می‌شود.

نتیجه‌گیری: با توجه به جایگاه مهم گیاهان دارویی در طب سنتی، شناخت این گیاهان مستلزم به کارگیری و مطالعه آثار به جا مانده از دانشمندان و پزشکان اسلامی است؛ بنابراین بررسی تجربی گیاهان دارویی و نیز مطالعات مشابه در مورد نظر سایر عالمان توصیه می‌شود.

تاریخ دریافت: آبان ۹۱

تاریخ پذیرش: شهریور ۹۲

کلید واژه‌ها: نظام‌الدین احمد گیلانی - خواص گیاهان - طب سنتی - قطب شاهیان.

مقدمه:

شامل شده است. اسناد و منابع موجود نشان می‌دهند که روزگار قطب‌شاهیان شیعی را، بی‌هیچ گزافی، دوران اوج پیوندهای علمی و فرهنگی ایران و جنوب شبه قاره هند و پاکستان می‌توان دانست (۱).

در آستانه انقراض حکومت بهمنیان و در سال ۹۱۸ ق، حکومت قطب شاهیان به عنوان یکی از پنج جانشین حکومت بهمنیان تأسیس شد. بنیانگذار این سلسه، سلطان قلی قطب شاه، از بازماندگان قراقویونلوها بود که به هند مهاجرت کرده بود. وی حتی پیش از ورود به هند به مذهب شیعه اعتقاد

روابط و مناسبات علمی و فرهنگی همواره بین دولت‌ها و عالمان مناطق مختلف وجود داشته است. بررسی مناسبات ایران و هند از اهمیت بالایی برخوردار است. مراودات ایران و هند، ابعاد زیادی را شامل می‌شود. مناسباتی در زمینه‌های سیاسی، دیپلماسی، فرهنگ، ادبیات، تجارت، بازرگانی و مذهب همواره ما بین این دو کشور در دوره‌های مختلف تاریخی در جریان بوده است. در قرون ده و یازده هجری روابط این دو بیشتر شده و بخش مهمی از تاریخ دو کشور را

داشت، از این رو، بلافاصله بعد از اعلام استقلال و به تبعیت از شاه اسماعیل صفوی، مذهب شیعه را در قلمرو خود رسمیت بخشید.

حکومت قطب شاهیان نزدیک به دو قرن (قرون ۱۰ و ۱۱) در شرق دکن، حکومت کرد و در این دوره با حکومت‌های همجوار خود و نیز با حکومت صفویان و گورکانیان نیز روابطی داشت. یکی از مهم‌ترین اقدامات این سلسله در طول این دو قرن حکومت، ترویج مذهب شیعه در این منطقه بود. پس از تثبیت مرزهای گولکنده در روزگار سلطان ابراهیم قطبشاه (۹۵۸ - ۹۸۸ ق)، روابط با ایران چنان گسترش یافت که سید محمد اکبر، فرزند میر محمد باقر داماد (م ۱۰۴۰ ق) به این دیار مهاجرت کرد. گذشته از او، در این روزگار، ایرانیان نامبردار دیگری مانند حاجی ابرقوهی، امیر تقی اصفهانی، معزالدین وفاخان و محمد اصفهانی هم به دربار قطبشاهی پیوستند. پس از سلطان ابراهیم، در عهد محمد قلی بن ابراهیم قطبشاه (م ۱۰۲۰ هـ ق)، ادب و هنر در این دیار از رونق گذشته برخوردار بود تا آنکه به سال ۱۰۰۰ هـ ق به فرمان این پادشاه شیعی و ایرانی‌نژاد تلنگاله (۲) و با یاری صدراعظم ایرانی‌اش میرمحمد مؤمن استرآبادی (م ۱۰۳۴ هـ ق) (۳)، حیدرآباد دکن با بهره‌گیری از الگوی شهر اصفهان به عنوان شهری بنا شد که اکنون مرکز ایالت آندهرپرادش در جنوب هندوستان، و همچنان میراث بر فرهنگ ایرانی است. (۴)

برادرزاده و داماد محمد قلی خان، سلطان محمد قطبشاه (۱۰۲۱ - ۱۰۳۵ هـ ق)، هم زیر نظر میرمؤمن استرآبادی پرورش یافت. در واقع، حضور میرمؤمن در دربار قطبشاه، برای پیشبرد سیاست‌های فرهنگی شیعه، موقعیت مناسب و متمایز ایجاد کرد؛ چنان که اکنون، به واسطهٔ آثاری که در آن روزگار تألیف شده است، از فعالیت متفکران شیعی در حوزه‌های مختلف علوم آگاهییم (شماری از این آثار فهرستوار عبارتند از: تحفه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب از شیخ محمد علی شحوری عاملی؛ رساله الهیه در اصول دین از سید امیرزین العابدین بن عبدالحی موسوی؛ میزان الطبائع قطبشاهی از تقی‌الدین محمد بن صدرالدین علی طالقانی؛ شرح کلیات قانون ابن سینا، شرح طب الاثمه (ع)، شرح طب النبی (ص) و تفسیر قرآن از سید احمد بن علی حسینی اردستانی؛ الفرید فی الطب از میرزا عبدالله طیبی؛ ترجمهٔ اربعین شیخ بهائی از ابن‌خاتون؛ ترجمهٔ مصباح الکبیر کفعمی از قاضی جمال‌الدین فضل‌الله بن صدرالدین محمد شیرازی؛ ترجمهٔ تجرید الاعتقاد خواجه نصیرالدین طوسی از زین‌الدین بدخشی؛ ترجمهٔ کتاب روضه الریاحین یافعی از فضل‌الله حسینی سمنانی با عنوان زهه العیون؛ تفسیر قطبشاهی به فارسی دربارهٔ آیات احکام از ملا محمد یزدی معروف به شاه قاضی

در واقع، این آثار نه تنها از رونق فراوان تشیع در دربار قطبشاهی خبر می‌دهند، بلکه نمونهٔ ارزشمندی از حمایت‌های علمی را پیش روی ما می‌نهند که با روزگار نخستین دارالعلم‌های شیعی در سده‌های چهارم و پنجم هجری قابل قیاسند (۵). به رغم اهمیت بایستهٔ توجه به چنین پیوندهایی، نه تنها کمتر اثر منتشر شده‌ای از میراث روزگار قطبشاهی را می‌توان دید، بلکه از حلقه‌های پیوند فرهنگ ایرانی و هندی در این دیار نیز کمتر یادی می‌توان یافت. یکی از عالمان و پزشکان مطرح، نظام‌الدین احمد گیلانی است که در این مقاله، نظریات ایشان در مورد خواص برخی از گیاهان دارویی اقدام شد.

معرفی نظام‌الدین احمد گیلانی:

نظام‌الدین احمد گیلانی (م بعد از ۱۰۷۱ هـ ق) از جمله متفکرانی است که در روزگار سلطان عبدالله قطبشاه (۱۰۳۵ - ۱۰۸۳ هـ ق) از ایران به هندوستان رفت و در مقام یکی از مهمترین حلقه‌های پیوند علوم حکمی و پزشکی این دو دیار چهره برنمود. هرچند که با دریغ، تاکنون دربارهٔ احوال و آثار او تنها تک‌نگاری‌های کوتاهی به نگارش درآمده است (۶). از آثارش نیز، تا آنجا که مطالعه و تحقیق صورت گرفت، جز کتاب مضممار دانش در اسب‌شناسی و رسالهٔ منافع موت اثری منتشر نشده است؛ (۷) که البته این آثار نیز به هیچ روی رسانندهٔ مقام حکمی و علمی او نیستند.

نظام‌الدین احمد گیلانی (نظام‌الدین احمد گیلانی را نباید با دو همنام معاصر او یعنی نظام‌الدین احمد هروی صاحب طبقات اکبری و نظام‌الدین احمد شیرازی صاحب حدیقه الاسلاطین یکی دانست) ملقب به «حکیم الملک» یکی از پزشکان نامی ایرانی است که چندین سال در هندوستان مقیم بوده است. او فرزند ملاصدرای گیلانی بود و در سال

۱. گفتنی است که حسین متقی مضممار دانش را از نظام‌الدین احمد نمی‌داند (فلک‌نامه: کتابشناسی و نسخه‌شناسی آثار حکیم‌الملک نظام‌الدین احمد گیلانی، ذیل شمارهٔ ۱۴۱). اما شواهد و استدلال‌های او در این باره چندان پذیرفتنی نمی‌نماید. برای نمونه، اکنون می‌دانیم که نظام‌الدین احمد رسالهٔ شرح الکلمات التامات را در ۱۰۲۸ قمری در اصفهان نگاشت و آنوار الفصاحه و أسرار البراعة در شرح نهج البلاغهٔ را نیز در همین شهر به سال ۱۰۳۶ قمری تمام کرد. بنابراین، تصریح متقی بر اینکه «برخلاف سایر آثار او، که جملگی در هند نگارش یافته» و تعجیبش از نگارش این اثر در اصفهان وجهی ندارد؛ به ویژه که خودش ذیل شماره‌های ۳۲ و ۸۷ آثار گیلانی در بازنمود نسخه‌های آنوار الفصاحه و شرح الکلمات التامات بر همین مسئله تصریح نموده است.

۹۹۳ هـ ق / ۱۵۸۵ م در گیلان متولد شد. در آغاز زندگی به اصفهان رفت و در محضر اساتید بزرگ مثل محمدباقر مشهور به میرداماد (۱۰۴۰-۹۷۰ هـ ق) و بهاء‌الدین عاملی (۱۰۳۰-۹۵۲ هـ ق) کسب فضل و دانش کرد. در ۱۰۴۰ هـ ق به هندوستان رفت و به دربار مغولان هند، پیوست و ملازم یکی از امرای شاه جهان پادشاه، مهابت خان خانانان (م ۱۰۴۴ هـ) شد.^۲ (۸) مهابت خان در ۱۹ ذی الحجه ۱۰۴۲ هـ قلعه دولت آباد دکن را گشود و آن را آتش زد.^۳ از قراین به دست می‌آید که حکیم‌الملک در هنگام فتح قلعه دولت آباد همراه مهابت خان بود. زیرا زمانی که مهابت خان به قلعه آتش زد یکی از تالیفات طبی حکیم‌الممالک با دیگر تالیفات طعمه حریق شد. حکیم‌الممالک این واقعه را در مقدمه رساله طبی که در ۱۰۴۵ هـ ق در حیدرآباد نگاشته، بیان کرده است. (۹) ممدوح و مربی مهابت خان در ۱۰۴۴ هـ ق / ۱۶۳۴-۳۵ م درگذشت و او تصمیم گرفت که به وطن خود - ایران - مراجعت کند. برای این منظور و سوار شدن به کشتی به بندر مچھلی پتن رفت و مدتی در آنجا منتظر کشتی ماند. در همین ایام نواب علامی شیخ محمدبن خاتون که در ۱۰۴۵ هـ ق / ۱۶۳۵-۳۶ م از طرف پادشاه گلکنده عبدالله قطب شاه (۱۰۸۳-۱۰۳۵ هـ ق) بار دیگر به منصب پیشوایی منصوب شده بود و تلاش می‌کرد که جمعی از مردم مستعد قابل که به کمالات و دانش متصف بودند در سلک مجلسیان و ملازمان شاه ببینند. مبلغ ۵۰۰ هون [سکه طلائی رایج در دکن] با پالکی [تخت روان] عاج برای حکیم‌الملک به بندر مچھلی پتن فرستاد و او را طلب کرد و پیش عبدالله قطب شاه برد (۹).

چون علامی شیخ محمد، حکیم‌الملک را نزد عبدالله قطبشاه برد، حکیم‌الملک مورد انعام و اکرام بسیار واقع شد و به سیمت طبیب دربار منصوب شد. نظام‌الدین احمد شیرازی مورخ دربار

۲. محمد صالح کنبو در عمل صالح معروف به شاهجهان نامه (به ترتیب و تحشیه غلام یزدانی، به تصحیح و تجدیدنظر وحید قریشی، لاهور، ۱۹۷۲ م ج ۳ ص ۱۷۰) می‌نویسد: حکیم نظام‌الدین احمد که سابق نوکر مهابت خانانان بود... برای شرح حال مهابت خان رجوع شود به: صمصام الدوله شاهنوازخان، مآثرالامراء، کلکته ۱۳۰۹ هـ ق ذیل مهابت خان خانان سپهسالار

۳. برای واقعه فتح قلعه دولت آباد رجوع شود به: صمصام الدوله شاهنوازخان، مآثرالامراء، ترجمه محمد ایوب قادری، لاهور، ۱۹۷۰ م ج ۳ ص ۳۴۰ / نظام‌الدین احمد شیرازی، حدیقه الاسلاطین به تصحیح سید علی اصغر گیلانی، حیدرآباد ۱۹۶۱ م صص ۱۵۵-۱۵۲

قطب شاهی این واقعه را به تفصیل نگاشته است: خاقان سکندر اقبال متوجه حال او (حکیم‌الملک) شده، هزار هون دیگر انعام دادند و به جای مرحوم حکیم جبرئیل نزدیک پایه اورنگ خورشید رنگ جای او تعیین فرمودند و شش هزار هون خارج انعامات موفره موجب ایشان تعیین کرده، دیهای معمور تنخواه دهانیدند و خانه اخلاصخان میرجمله ماضی که عمارت رفیع و فضای وسیع دارد به او مرحمت کردند و چون مشارالیه (حکیم‌الملک) اموال و اسباب خود را بیشتر به بندرعباسی فرستاده بودند نواب علامی دیگر به تقدیم رسانیدند و مشارالیه از مقربان عظام گردید. (۱۰)

قاضی عطاءالله گیلانی که یکی از امرای عبدالله قطب شاه و سفیر مقیم بیجاپور بود در اواخر ۱۰۴۸ هـ ق درگذشت. قاضی گیلانی، حکیم‌الملک را وصی خود ساخته بود. شاه در سلخ^۴ ذوالحجه ۱۰۴۸ هـ ق حکیم‌الملک را مربی فرزندان قاضی عطاءالله تعیین کرد. (۱۰) حکیم‌الملک در چند سفر با عبدالله قطبشاه همراه بوده است. وقتی در سال ۱۰۴۹ هـ ق شاه اراده سیر و سیاحت از راه حیات آباد به طرف مشرق زمین تا بندر مچھلی، بندری در کنار دریای عمان، کرد و با کرا و فر تمام روانه سفر شد، حکیم‌الملک با سایر امرا همراه وی بوده است و در راه تدارک گردش نقاط زیبا را می‌دید (۱۰).

عبدالله قطب شاه در ۱۰۵۰ هـ ق / ۱۶۴۰ م حکیم‌الملک را برای سفارت ایران نامزد کرد و پیش شاه صفی اول (۱۰۵۲-۱۰۳۸ هـ ق) روانه ساخت. قطبشاه هدایای گرانبها به سوی شاه ایران فرستاد و تدارکاتی نیز برای حرمت و سهولت سفر حکیم‌الملک دید. نظام‌الدین شیرازی می‌نویسد: قبل از خدمت پادشاه ایران نامزد جناب لقمان‌الزمان حکیم نظام‌الدین احمد جیلانی‌المخاطب به حکیم‌الملک شده بود. چون [پادشاه] به دولت خانه مراجعت نمودند، مشارالیه [حکیم‌الملک] را به تشریف فاخره این خدمت والا سرفراز گردانیدند و تحف و هدایا از اقمشه و امتعه نفیسه متنوعه و قلمکاریهای پرنقش و نگار که با زربفت قدیمی برابری می‌کرد و مرصع آلات مرغوبه و جواهر قیمتی از الماس و یاقوت و غیره که برای شاه

۴. آخر ماه قمری

را پیش رو می‌یابیم که در سنت‌های علمی و حکمی پیش از خود، ژرف‌اندیشی و باریک‌بینی‌هایی ارزشمند دارد و در ارجاع به منابع خود دقیق است؛ و طرفه آنکه نمونه‌ای درخشان و کمیاب از حلقه‌های پیوند پزشکی و حکمت نزد دانش‌آموختگان مکتب اصفهان است. از شماری از این آثار در یک طبقه‌بندی کلی چنین می‌توان یاد کرد:

ادبیات و تعلیم و تربیت: آداب‌الصیبان، آداب‌المتعلمین، اوراق دانش، تلخیص دره الغواص حیرری، خرد و سخن، صحه الأخبار عن الفعل والحرف، فوائد لغویة مختلفه، کشکول، منتخب ابیات شاعران، منتخب ربیع الأبرار، منتخب المقامات زمخشری، منتخب نوادر المعلمین جاحظ

دایره‌المعارف: جامع العلوم (مقامات نظامی)، شجره دانش، مجموعه حکیم‌الملک

علوم قرآنی: آفاق و انفس و حکمت خالق، التفسیر، السر فی عظمه سورة الفاتحه، سر مرگب کلمه توحید. کلام و علوم دینی: اثبات الواجب و التوحید و الصفات و...، اثبات الواجب من کلام امیرالمؤمنین، استجاب دعا، استجاب دعوات، أنوار الفصاحة و أسرار البراعة در شرح نهج البلاغه، التعضیلات، تعلیقات علی کتاب من لا یحضره الفقیه، توبه و نیت آن و صیغه آن، الجبر و التفویض، الخطاب إلی المجتهدین، خواص خواندن کلام حضرت امیرالمؤمنین، شرح الکلمات التامات، شرح کلمه الاسلام، الاعتراض فی الفقها والاطباء فی الجنین، القضاء و القدر، کیفیة اعتقاد در مذهب حق، کیفیة تزویج و اهتمام در کفو.

منطق و فلسفه: ابطال تناسخ، اثبات لذات عقلیه، اصول علم منطق، اقسام محبت، تأثیر نفوس، تفسیر بعض أسماء الحکماء القدماء، حاشیه الأفق المبین، حدوث الدهر یا حدوث العالم، حقیقه الجوهر و العرض، حقیقه الوجود ولوازمه و کیفیته، خفیات الآثار الواقعة فی العالم، ذکر بعض المسائل، وجود کل موجودات و هلاکها فی أسبوع، شرح الاشارات، سبب اختلاف المذاهب، عجائب الأنوار فی بیان عالم الجمهور، بیان العقل الفعال، فهرست کتب الشفاء والإشارات و القانون، کلام الحکماء فی أوصاف الملوک، کیفیة وجود الشرور، کیفیة وجود الشریف و الوضیع، مسائل منتخبه فی الحکمه، منافع موت،

ایران به اتمام رسیده بود جمیعاً تحویل جناب لقمان الزمانی نمودند و به جهت مایحتاج سفر مشارالیه مبلغ سی هزار هون از نقد و جنس مرحمت نموده چند نفر از سلاحداران کارآمدنی و مردم امین به خدمتش تعیین فرمودند (۱۰).

عبدالله قطبشاه در ۱۰۶۶هـ ق/ ۱۶۵۶م حکیم‌الملک را به عنوان سفیر خود پیش شاه‌جهان پادشاه به دهلی فرستاد. محمد صالح کنبو، وقایع‌نویس شاه‌جهان در ضمن وقایع سال سی ام جلوس شاه‌جهان می‌نویسد: در این تاریخ حکیم نظام‌الدین احمد، که سابق نوکر مه‌ابت‌خان خانخانا بود- پس از سپری شدن او نوکر قطب‌الملک گردیده- از جانب قطب‌الملک آمده سلطان را دید و دو صندوقچه جواهر و مرصع آلات و دو زنجیر فیل با ساز نقره و چهار اسپ با زین و کلفی به نظر در آورد. از میان فرزندان حکیم‌الملک، پسری در ۱۰۵۰هـ ق از اصفهان به هند رفته بود. عبدالله قطبشاه او را نیز به حضور خود پذیرفت و او را به آیین پسندیده کد خدا کرد. چون در آن ایام حکیم‌الملک به سفارت ایران رفته بود، شاه پسر او را در منزل پدرش مقرر فرمود (۱۰).

تاریخ درگذشت نظام‌الدین را سال‌های ۱۰۵۹ و ۱۰۶۱ نگاشته‌اند. (۱۱). در حالی که با توجه به حضور او در دربار شاه‌جهان در دهلی به عنوان سفیر دربار قطبشاهی به سال ۱۰۶۶هـ ق (۱۲)، و نگارش مضماری برای شاه عباس دوم به سال ۱۰۷۱ قمری، تاریخ درگذشت او را پس از این تاریخ باید دانست.

آثار گیلانی:

آثار گیلانی طیف متنوعی از آثار ادبی و دینی و حکمی و پزشکی را در بر می‌گیرد. (۲۱) با مراجعه به نسخه‌های خطی موجود از این آثار، متفکری سختکوش با دانشی دایره‌المعارفی

۵. عمل صالح، طبع لاهور، ۱۷۰/۳۰ در طبع کلکته، ۱۹۳۹، ۳/ ۲۱۸ سال سی ام جلوس شاه‌جهان مصادف با ۱۰۶۰هـ ق قلمداد شده که سهو چاپی است. شاهجهان در ۱۰۳۷هـ ق جلوس کرده بود و سی ام سال جلوس او مطابق با ۶۶ می‌شود.

۶. برای مروری کوتاه بر فهرست آثار گیلانی نک: Altaf Ahmad Azmi, History of Unani Medicine in India, op.cit, pp. 186-189. عارف نوشاهی، «حکیم‌الملک نظام‌الدین احمد گیلانی»، مقالات عارف، پیشین، صص ۲۲۵ - ۲۳۹. با دروغ، در این فهرست، در یادکرد رساله‌های موجود در شجره دانش چند اشتباه وجود دارد که چنان که آقای نوشاهی نیز به درستی دریافته، گویا از عدم دسترسی به اصل نسخه این اثر و اعتماد به فهرست کتابخانه آصفیه ناشی شده است؛ چنان که از کتاب «مختصر منتخب معالجات ابقراط» به «رساله طبی» یاد شده است و از «أسرار الخفیة فی أبنیة التسنیة» به «أسرار الخفیة فی أبنیة التسنیة» و از رساله «ابطال تناسخ» به «ابطال تناسب»

خواص اشياء، برون آوردن نام دزدان، علم قیافه، غرائب الأحوال و تأثیرات الأشياء العجیبه

مواد و روش‌ها:

نسخه مورد مطالعه، از مجموعه رسائل، مجموعه آثار وی در دانشگاه تهران انتخاب شده است. این مجموعه دارای ۱۳ رساله است که در مرکز اسناد کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران با شماره ۳۲۲۳، نگهداری می‌شود. این مجموعه نستعلیق خوش، آغاز سده یازده هجری حواشی داشته و برخی با نشانه «منه، منه دام ظلّه» مهر «یا محمود ۱۲۰۷» در پایان دارد. در ۱۰۴ صفحه نیز تدوین شده است.

رساله مورد بررسی، رساله ششم از این مجموعه است که در خواص برخی از گیاهان مانند هلیله و بابونه و رازیانه و... به زبان فارسی نگاشته شده است. این رساله صفحات ۶۸-۶۳ از این مجموعه را شامل می‌شود.

یافته‌ها:

۱/ [بسم الله الرحمن الرحيم]

۲/ شکر و سپاس بی‌قیاس مر صانعی را که آدمی را بقوت عقل و تمیز از سایر حیوانات امتیاز ۳/ داده به درک جزئیات و کلیات گردانید و پس از آن با ارسال انبیاء کامل ساخت تا آنچه عقل ۴/ راهبر نباشد به تعلیم و هدایت پیغمبر راه حق بیابند و بعد فقیر حقیر نیازمند در گاه حضرت آله ۵/ نظام الدین احمد گیلانی بر لوح ضمیر صاحب طبع و اهل ذکا [مجربان] دواها از حذاق^۷ اطبا ۶/ می‌نگارد که آنچه در این عمر کوتاه به تجربه فقیر رسیده از دواهای مفرد یکی هلیله است که رساله فارسی ۷/ و غربی از غرایب خواص او نوشته شده است آنرا همین کافیسست که کدبانوی بدن گفته‌اند و آن ۸/ هم قابض است و هم مسهل که اندک قیض و بسیار اسهال می‌کند و احشاً^۸ را از فضلۀ رطوبات ۹/ پاک می‌سازد و قوت تمام می‌دهد و همه اجزاء بدن را قایم و محکم می‌گرداند و قوت معده و دل ۱۰/ و دماغ و کبد میدهد و حواس^۹ تر می‌سازد و وسواس و نسیان و جنون دور می‌کند و حافظه می ۱۱/ افزایش دفع بواسیر می‌کند

منتخب القبسات، النفس و العقل و العقل الفعّال، وجود اشياء محسوسه، وجود الشّور بالعرض و بالذات، وجود فقرا و اغنیا در هر سلسله علیا و سفلی.

اخلاق و عرفان: الأخلاق و کیفیّاتها، خواصّ لا إله إلاّ الله، رساله عرفانیّه، العملیّات، کلام مخاطبات و مواعظت مع النفس، کلام إنّما خلع بدن از حضرت استاد محمّد باقر داماد، کلمات با اهل قبور، منتخب کلمات خواجه عبدالله انصاری.

تاریخ و شرح حال: احوال ملوک عجم، أخبار الخلفاء، تاریخ احوال شیخ ابونصر فارابی، سواد برخی نامه‌های شاه عباس صفوی، شرح احوال ابوعلی سینا، مقام فی تاریخ الحکماء، مواعظ و بیان احوال خود.

پزشکی و روانشناسی: الحيوانات ذوات السموم و تأثیراتها و علاجها، اختصاء و تعلیقات، اختیارات نظامی، ادویه باهیّه، ادویه مفرده، أسرار الأطباء، أسرار الخفیّه فی أبنیه التّسنیّه، اصطلاحات الأطباء، پیدایش پزشکی، تدبیر الجبلی (درباره برداری)، تعلق نفس بأعدل اعضاء، چوب چینی و قهوه و چائی و تنباکو، حبیب الإله من النّبی و أعاجب الخواصّ من الأشیاء، خلاصه التّدکره فی طبّ التّجربه، خواصّ برخی از گیاهان، خواصّ بعضی ادویه مفرده، خواصّ بعض زهر، خواصّ بقول و حبوب و اثمار، خواصّ الفادزهر، خواصّ الهلیلجات، خواصّ هلیله، درجات کیفیّات ادویه، شرح مومیایی کانی، منتخب کتاب اعراضی، شرح خواصّ بلبله، صداع و کیفیّت علاج آن، خواصّ مومیائی، رساله در طبّ، فواید ادویه، فوائد فی الطبّ و المعالجات، الحراره الغریزیّه و زیادتها و نقصانها.

علوم و فنون: احوال کائنات جوّ، أسامی کلّ العلوم، اصول علوم و اقسام آن، اصول العناصر، نمودج و جمع مسائل متفرّقه در هر علم، بازنامه، بود و نبود همه چیزها (ریاضی)، عقد انامل، علم موسیقی، غرائب احوال بعض حیوانات صغیر النّجنه، غرائب الوقایع، فضائل العلم، الکلمات النّجومیه، مضمار دانش (فرس‌نامه)، مگس عسل و کرم ابریشم، الوحّدات إلیّ إثنا عشریّات

علوم غریبه: اثر دعا و رقا و سحر در رفع شرّ، اعمال غریبه و بعضی عمل‌های غریب و شعبدات، اعمال غریبه و شرح

۷. جمع حذاق، استاد ماهر و دانا در کار

۸. جمع حشا آنچه در سینه و شکم باشد از دل و جگر و معده و روده اندرونه.

۹. علامت صفت تفصیلی، تازه، آبدار، خیس، نمدار، نقیض خشک

وقت بهار ابتدا از وقت تحویل هر روز یک درم رازیانه با ۶/ یک درم قند سفوف^{۱۷} کرده بخورد آن سال بیمار نشود و اگر هر سال بر همین منوال جاری دارد و هرگز ۷/ بیمار نشود تا وقت مرض موت و این را محرر حروف مکرر تجربه کرده است و حقیقت ۸/ این دوا مصلح خلط است و در اکثر دواها و ترکیبات اطبا همراه می کند عرق او و سفوف ۹/ و نقل آن همه منفعت بسیار دارند دیگر بابونه و خطمی که در نضج^{۱۸} که اورام و نرم کردن ۱۰/ و تحلیل اورام صلبسه[صلبیه^{۱۹}] و خنازیر^{۲۰} بر اثرهای خوب دیده شده است که تحلیل می کند [پی جذب] ۱۱/ ماده دیگر شیر دختران و شیر شتر که در دفع حرارت و بیوست و در امراض حاره و پاسه^{۲۱} ۱۲/ و امراض عین اثرهای خوب و نفعهای مرغوب از شیر زنان دیده شد که کالمیت دست ۱۳/ دست از علاج برداشته را در گوش و بینی چکانیدن و در کف دست و پا مالیدن و پارچه ۱۴/ با آن تر کرده بر میان سر گذاشتن بعد از قطع نظر حیات حیات یافته‌اند و شخصی که از شدت ۱۵/ حرارت و بیوست چند شبانه روز خواب نرفته هذیان می گفته به مجرد این عمل خواب رفته ۱۶/ و عرق کرده برخاسته از آن شدت مرض خلاص شده است در دفع حمیات^{۲۲} حادّه ۱۷/ و رفع تشنگی و التهاب استعمال صندل و گلاب و خوردن آب هند[و] انه و عرق بید مشک/ ۱۸ مثل شیر دختران صاحب اثر تمام‌اند و شیر شتر در تفتیح^{۲۳} سُد و تلتین^{۲۴} طبیعت و رفع

صفحه سوم

۱/ تهیج و دفع مرض استسقا از عمد‌های دواهاست و علاج‌های بسیار از آن دیده شده است ۲/ و آثار خیر بسیار است لله درّه دیگر چند بیدستر^{۲۵} که خواص آن زیاده از وسیع بیان

دارای بریدگی بسیار و دمیرگش شامل غلافی است که ساقه را فرا می‌گیرد. برگش معطر و طمعش مطبوع و کمی شیرین است رازیانه انواع مختلفی دارد و در مصارف دارونی بسیاری به کار می رود.

۱۷. داروی خشک کوبیده، داروی نرم که روی‌زبان بریزند. اختصاصا مخلوطی از کوبیده دانه‌های گرد شده چند گونه گیاه طبی است که به عنوان باد شکن مصرف می‌شده

۱۸. پختگی و رسیدگی/ بهبود نسبی قبل از شفای کامل

۱۹. خارجی‌ترین پوشش کره چشم

۲۰. غده‌های سختی که در زیر گلو ایجاد شود و زخم و جراحت تولید کند

۲۱. غم و اندوه و فشردن گلو

۲۲. جمع حمی؛ تب

۲۳. گشایش

۲۴. تلعین؛ بازداشتن

۲۵. پستانداری از راست. جوندگا که نسیه بزرگ است و بوزن ۲ کیلوگرم میرسد. موهای بدنش زیباست و بهمین مناسب شکار میشود. پاهای خلیفایش پرده‌دار است و برای شنای حیوان مورد استفاده قرار میگیرد

و قوه جماع می‌دهد نعوظ می‌آرد و امساک می‌کند و رحم پاک می‌کند ۱۲/ لثه را محکم می‌کند و دهن را پاک می‌سازد و دفع بخر^{۱۰} می‌نماید و شرح خواص آن و اخوان همه به نوعی که ۱۳/ تجربه شده در رساله^{۱۱} که قبل از این نوشته ام مذکور است در این رساله گنجایش زیاده بر این ندارد ۱۴/ دیگر کاسنی^{۱۱} که در دفع تب و رفع التهاب و تشنگی و نصح ماده [بصح] سُد و ازاله^{۱۲} مرض ۱۵/ سو القنیه و استسقا آثار عجیب و غریب از آن مشاهده شده است منقول است ۱۶/ که عصای اسقلینوس حکم والد الحمکا که شاگرد حضرت ادریس است و او را ابو الاطبا می‌خوانند ۱۷/ که اول اطبا و استادست از چوب کاسنی بود با یمغی که در اکثر علاج‌های مناسب کاسنی می‌داد.

صفحه دوم

۱/ و او را پیش داشت و اعتماد مال می‌کرد و قریب به آن است خطمی^{۱۲} در اثر خیر بی خطر در سرح^{۱۳} کاسنی ۲/ و عظم شان آن همین کافیسست که شیخ ابوعلی در خواص آن رساله نوشته که به رساله هندیا ۳/ مشهور است و حدیث حضرت صلعم^{۱۴} در شان او وارد است که غیر مسغول^{۱۵} استعمال نمایند ۴/ که دو قطره آب بهشت به آن رسیده است دیگر رازیانه^{۱۶} که منقول است ۵/ از بقراط حکیم که هرگاه در

۱۰. بوی تند دهن و هر چیزی که رایحه آن تند باشد.

۱۱. گیاهی است علفی و پایا از از تیره مرکبات که در حقیقت سرد است. ارتفاعش بین ۵۰ سانتیمتر تا ۱ متر است و آن بر اثر کشت‌های متوالی تا ۲ متر نیز می‌رسد. ریشه این گیاه دراز ۵/۱۰ الی ۱ متر و بقطر یک انگشت و رنگش قهوه‌ای است. گیاه مزبور قابل انعطاف است ساقهای خشک و برگهای پوشیده از کرک است. برگهای قاعده این گیاه دارای بریدگی‌های مشخص ولی برگهای فوقانی معمولاً کوچک و نوک تیز و تقریباً ساقه آغوش است. گل‌های این گیاه در فاصله ماههای تیر و مرداد ظاهر می‌شوند پرنگ آبی زیبا و گاهی گلی یا سفید رنگ و طبق گل مسطح است. این گیاه در اراضی بایر و کنار جاده‌ها و چمنزارها می‌روید و کشت آن نیز مواظبت و دقت لازم ندارد. قسمت مورد استفاده گیاه مذکور برگ تازه و ریشه خشک شده آن است. ریشه کاسنی شامل مواد لعابی و اینولین و قندهای مختلف دیگر از قبیل گلوکز و سوزل و ساکارز است و بمقدار جزئی تانن نیز دارد. علاوه دارای یک آلکالوئید بنام شیکورین و مقداری نیترات پتاسیم است. کاسنی به عنوان مقوی عمومی و مقوی معده و تصفیه کننده خون و مدروملین و تب بر استعمال می‌شود. برگهای این گیاه بسیار تلخ است و بعنوان تقویت دهنده دستگاه هضم در بیماری‌هایی که از تبهای نوبه‌ای برخاسته‌اند توصیه می‌شود. در ایران معمولاً برگهای کاسنی را می‌جوشانند و پس از تقطیر آنرا بنام عرق کاسنی مورد استفاده قرار می‌دهند و علاوه ریشه و برگها و ساقه‌های خشک شده و نرم شده آنرا با قهوه مخلوط و مصرف می‌کنند.

۱۲. گیاهی است از تیره پتیرکیان که دارای گونه‌های دایمی و نیز یکساله است و به حد وفور در ایران روئیده و کشت می‌شود. ساقهای خیم و بلند و برگ‌های پهن و ستبر و ریشه‌های دراز و دوکی شکل و آبدار دارد. این گیاه در پزشکی خواص بسیاری را داراست.

۱۳. ستور چرنده یا درخت بلند و هر درخت بی خار یا هر درخت دراز بلند

۱۴. اختصار و رمز است در صلی الله علیه و آله

۱۵. شسته نشده

۱۶. گیاهی است از تیره چتریان که دو ساله است (بعض گونه‌هایش پایا است) و در سراسر نواحی بحرالروم و حبشه و ایران می‌روید. ارتفاع آن بین ۱ تا ۵/۱ است. برگهای متناوب و

است در اکثر ۳/ امراض خصوصاً امراض بارده خصوصاً برای طفلان مکرر دیده شده که مانند مرده را زنده کرده است ۴/ دیگر افیون^{۲۶} در دفع کل وجع^{۲۷} و قبض اسهال که تجربه شده که مردنی به مرض اسهال را چند روز ۵/ نگاه داشته است در تاثیر دوی مفرد شاید که مثل چند و افیون دیگر نباشد دیگر در نفع ۶/ و اثر بی خطر تخم ریحان و اخوان آن خصوصاً در اسهال و از آب گرم و گلاب گرم هر کدام در دفع ۷/ قولنج^{۲۸} نفع خوب دیده شده است دیگر چوب چینی که در التیام جراحات و دفع اورام ۸/ و جراحات اثرهای عجیب دیده شده مالیدن روغن گل در اکثر پیچش‌ها و دردها نفع دیده ۹/ شده است دیگر مصطکی^{۲۹} در تقویت معده و خائیدن و روغن آهن مالیدن نفع ۱۰/ خوب دیده شده دیگر قنه که با زرد باشد در دفع بواسیر تاثیر عجیب دارد شیخ در قانون ۱۱/ گفته که هر که یک روز دو درم بخورد بواسیر برطرف شود و اگر سه روز بی فاصله هر روز دو درم ۱۲/ بخورد هرگز بواسیر پیدا نشود نوشته که مجریست به تجربه فقیر نرسیده اما ملاحظه محرومی ۱۳/ مزاج باید کرد که بسیار گرمست دیگر فادزهر^{۳۰} در قوت باه و درد کمر ومفاصل ۱۴/ و قوت بدن اثرهای خوب دیده شده از آب رفتن دندان و کند گردیدن مالیدن روغن ۱۵/ به لسان بهترین دواست و آن شیر را می‌بندد و دندان ماهی و فضا نیز همه در رنگ انفعه^{۳۱} می‌بندد ۱۶/ مکرر تجربه شده و از دواهای مرکب

۲۶. تریاک

۲۷. درد، بیماری، رنجوری

۲۸. دردی که ناگهان در ناحیه شکم خصوصاً نواحی مجاور به قسمتهای مختلف قولون حاصل شود و در صورت شدت ممکن است به مرگ منتهی شود. عارضه قولنج به طور کلی مربوط به ضایعات قسمتهای مختلف احشای است و ممکن است مربوط به عفونت یا سوراخ شدن آپاندیس باشد که در این صورت دردها بیشتر در ناحیه تحتانی راست شکم و حول و حوش ناف است و ممکن است مربوط به انسداد کیسه صفراوی یا ضایعات کبدی باشد که باز دردها در طرف راست شکم و نواحی ستون فقرات احساس می‌شود. همچنین قولنج ممکن است به سبب ناراحتی‌های رحمی و دردهای شدید آنی مربوط به قاعده (ماهانه) زنان و یا مربوط به ضایعات کلیوی باشد. در هر یک از انواع قولنج‌ها در صورت تشخیص ضایعه نام مربوط را می‌برند مثلاً قولنج کبدی قولنج کلیوی قولنج روده‌یی (که مربوط به انسداد یا تداخل قسمتی از روده باریک است) قولنج کیسه صفرا و غیره. در هر حال قولنج با دردی شدید و ناراحت کننده همراه است.

۲۹. گونه‌های سقز که بصورت شیرابه‌ای بر اثر ایجاد شکاف از ساقه و شاخه‌های درختچه مصطکی خارج و بصورت قطرات کوچکی در محل شکاف منعقد می‌شود. قطرات سخت شده مصطکی بدرشتی نخودی کوچک و رنگش زرد پریده و کمی شفاف است و بو و طعم آن ملایم و مطبوع است. در گرمای ۱۰۸ درجه ذوب و بر اثر جویدن به سهولت در زیر دندان نرم می‌شود. مصطکی کمی از آب سنگین‌تر است و دراتروکلورفرم و اسانس تربانتین و بمقدار کم در الکل حل می‌شود. گاهی مصطکی بجای آنکه بر روی شاخه‌ها و ساقه درخت باقی بماند در پای درخت بر روی هم انباشته شده بصورت قطعات نسبه بزرگ در می‌آید. این قسم نوع خالص مصطکی را تشکیل میدهد. نوع اخیر رنگ قهوه‌ایی دارد و معمولاً دارای ماسه و ناخالصی‌های دیگر است. نوع مرغوب مصطکی بصورت دانه‌های کوچکی است و بمصرف جویدن می‌رسد

۳۰. معرب پادزهر، پادزهر، ضد زهر دارویی که دفع ضرر سم از بدن بکند

۳۱. پتیر مایه/ درختی است شبیه به درخت بادنجان. گیاهی است شبیه به بوته بادنجان

در دفع درد و هر عضو سرکه و گلاب و افیون و ۱۷/ زعفران خصوصاً در دفع صداع^{۳۲} که به مجرد مالیدن به تخفیف در دسر شده دیگر در کثرت ۱۸/ و عموم نفع روغن گل و گلاب و گل‌قند و سکنجبین هر کدام مستعمل به مناسبت مقام نفع تمام دیده

صفحه چهارم

۱/ شده است و از سفوفات، سفوف بنفشه و بنفشه و سفوف هلیله وقتی که مسهل کار ۲/ نکند برای دفع کردن آن مسهل و دفع ضرر مکث آن به لغایت موثر و خوب است که دو درم از ۳/ هر کدام که باشد با دو درم قند با آب گرم بخورند مکرر اثر آن مشاهده شده در وقت اثر ۴/ سحج^{۳۳} و ظهور خون بعد از مسهل یا در اسهال لعاب به دانه با روغن بادام نفع دیده شده ۵/ و در زجر مزلق^{۳۴} لعاب ریشه ختمی با روغن بادام عجب اثر خوب دیده شد و در تحس^{۳۵} شکم ۶/ بزرقطونا^{۳۶} با روغن گل جوش داده دادن مزلق خوب است که همان ساعت که زلق فضل ۷/ شود و به اذن الله تعالی و از معاجین^{۳۷} کبار تریاق فاروق برای دردها ۸/ و مرضهای صعب مشهور است و مجرب و از شرح مستغنی دواء المثک^{۳۸} به تجربه خواص ۹/ و عوام رسیده و این فقیر نیز آثار غریب و عجیب از آن دیده و از مفردات نیز در تقویت ۱۰/ اثرها دیده و از فلونیا^{۳۹} برای تخفیف دردها اثر مشاهده خصوصاً فلونیای رومی ۱۱/ و بر شعنا^{۴۰} که در دفع نفثدم^{۴۱} و اسهال دموی و تخفیف درد قولنج نفع تمام ۱۲/ دیده شده و مجرب است و از جوارشات^{۴۲} جوارش جالینوس برای ۱۳/ تقویت معده سرد و دفع بواسیر و هضم طعام و اشتها و قوت ۱۴/ باه و حسن لون و دفع برودت مزاج و حفظ صحت که در بیست و یک روز ۱۵/ هر روز یک مثقال بخورند به تجربه

۳۲. دردسر، سردرد

۳۳. خراشیدن و پوست باز کردن، بیماری است که در اثر خراش روده ایجاد شود.

۳۴. لغزاننده لغزش دهنده / دوايي را نامند که بقوت ملینه و رطوبت مزلقه که دارد تعیین سطح عضو نماید بحدی که بلغزانند آنچه در آن محتبس است و تحریک آن نموده دفع نماید مانند آلو بخارا

۳۵. دل پر غصه و اندوه

۳۶. نوعی حشیش، اسفرزه، اسبغول، بنکو

۳۷. جمع معجون

۳۸. سوس شیرین بیان

۳۹. معجونی است که تخم شاهدانه و شیرابه خشخاش می‌ساختند و به عنوان مسکر و مسکن به کار می‌رفته است فلونی / نوعی معجون مسکن و مخدر منسوب به فیلون تارسی پزشکی از معاصرین اغسطس امپراتور روم که برای تسکین درد دندان و دل به کار می‌رفته است

۴۰. شعث؛ ژولیده موی شدن درهم گردیدن موی و مانند نمد شدن از جهت روغن نمالیدن و پاکیزه نکردن آن یا چرک گردیدن سر و بدن

۴۱. خروج خون با اخلاط از سینه / خونریزی ریه / خروج خون از ریه

۴۲. جوارش، نوعی حلوا. / ترکیبی است که برای هضم طعام خورند. / معجونی مفرح و مقوی و محل ریح و مصلح اغذی

خناق ۵۲ و اورام دموی اثرهای خوب دیده ۱۵/ شد و در وقت عدم قبول مرض دوا را به واسطه قوت مرض و ضعف دوا ۱۶/ تدبیر و صدقه و خیرات و دعای صالحان و دعای طبیب بی غرض ۱۷/ از همه دواها بیشتر منافع و آثار عظیم دیده شد چنانکه مکرر این کمینه^{۵۳} خادم الاطبا در وقت درماندگی خود را از اغراض کل معرا و مبرا ساخته از روی

صفحه ششم

۱/ عجز از حضرت الله تعالی استدعا نموده فی الفور اثر استجاب ظاهر شد ۲/ هذا بینی و بین الله کفی با الله شهیداً که حکیم اوست و دا از او و دوا از او ۳/ علاج از او و صحت از او و همه او و غیر او همه نیستند و هست اوست الحمد لله ۴/ الذی هذانا لهذا و ما كنا لنهتدی لولا ان هذانا الله الحمد لله و احدًا بس و هو ۵/ تعالی و تقدس.

نتیجه‌گیری:

نظام‌الدین احمد گیلانی یکی از دانشمندان و متفکران دوره صفوی بوده که آثار بسیار زیادی از وی به جا مانده است. او پس از مدتی که در دربار صفویان بود سپس به هند رفته و در خدمت قطب شاهیان بسر برد. اگر چه بسیاری از آثار او هنوز تصحیح و شناسایی نشده با این وجود وی سهم بسزایی در عرصه فرهنگ و دانش اسلامی در عصر صفوی داشته است. بخش اعظمی از آثار او مربوط به طب سنتی و پزشکی است که از این جهت اهمیت بسزایی دارد. امروزه خواص گیاهان دارویی در طب سنتی جایگاه بالایی داشته و شناخت این گیاهان مستلزم به کارگیری و مطالعه آثار به جا مانده از دانشمندان و پزشکان اسلامی است. نسخه خطی خواص برخی از گیاهان، می‌تواند در راه شناخت گیاهان دارویی و طب سنتی کمک شایانی کند. این نسخه خطی در دانشگاه تهران نگهداری شده و مورد تصحیح و ارزیابی قرار گرفت.

فقیر رسیده نوشته شده است و زیاده از آنچه در شرح ۱۶/ آن نوشته‌اند، اثر دارد و از عمد‌های ترکیب است و آنچه از برای اطریفل^{۴۳} صغیر ۱۷/ نوشته اند منافع آن بسیار زیاده بر آن دیده شد به این قلیت اجزا به غایت ۱۸/ بر نفع است و معجون ارسطو با حسن که فقیر حقیر عامل و مجرب و مروج آن است.

صفحه پنجم

۱/ و در امراض بارده و تب بلغمی و تنگی نفس و حبس قی و اسهال و در اکثر مرض‌ها اثر تمام دیده شده ۲/ متاخرین اطبا هیچکس این ترکیب را نساخته معمول نبود اول محرر حروف در قانون خواص آن را ۳/ دیده ساخت و عمل کرد اکثر آنچه در خواص مرقوم بود موافق آمد و تجربه شد و به بعضی اطباء زمان ۴/ که نقل نمود ساختند و به تجربه‌ها رسیده مشهور گردید با این قلیل الاجزا کثیر المنافع است ۵/ انوشدارو^{۴۴} در قوت معده و هضم طعام و حبس قی و اسهال اثر خوب ۶/ مشاهده شد و گمونی^{۴۵} در دفع ریح و تسخین معده و دفع تب بلغمی مزاجان نفع دیده ۷/ شده و از فلاسفه در امراض بلغمی مزاجان نفع دیده شده است و ثیادریطوس^{۴۶} ۸/ کبیر اکثر امراض بلغمی را علاج است و در قوت باه و انعاذ اثر عجیب دیده شد ۹/ عنین^{۴۷} شش ماهه را که در آن مدت هرگز حرکت واقع نشد به مجرد خوردن قبل از ۱۰/ عمل، آلت حرکت کرد و بعد از آن و از اول قائمتر و بهتر شد و از ۱۱/ فصد در طغیان دم و حمیات مطبقه^{۴۸} و محرقه و امراض حادّه و یرقان آثار عجیب ۱۲/ غریب که به ملاحظه وقت و سن و قوت واقع شده دیده شد و از غیر ۱۳/ وقت و بیجا عروض تب ربع و موت و امراض قویه تر به ظهور آمد و از ۱۴/ حجامت^{۴۹} و ذیلو^{۵۰} برای امراض عین ۵۱/ و

۴۳. معجون ساخته شده از هلیله/ اطریفل صغیر یا کوچک؛ برای استرخای معده سودمند بود و رطوبت آن و بواسیر را دفع کند و ذهن را نیکو گرداند و سلس البول را نافع است. اخلاط آن: پوست هلیله کابلی و هلیله سیاه و پوست هلیله زرد و آمله مقشر و پوست بلبله از هر یکی ده درم زنجبیل و فلفل از هر یکی ده درم کوفته و بیخته و بروغن بادام چرب کرده با سه چندان عسل کوفته بسرزند و بعد از دو ماه استعمال کنند و قوت این تا دو سال می‌ماند و شربتی از یک مثقال تا دو مثقال بود و نافع است از جهت صداع که از بخار معده بود و معده را قوت دهد و بغایت نافع بود.

۴۴. نوشدارو؛ داروی شفابخش، پازهر تریاق، مقابل زهر، معجونی که قدما می‌پنداشتند که بوسیله آن زخمهای صعب‌العلاج را می‌توان معالجه کرد و مریض مشرف بموت را نجات داد.

۴۵. زیره

۴۶. نام ملکی از ملوک یونان که برای او معجونی ساختند و آنرا بنام او موسوم کردند

۴۷. مردی که بر جماع قادر نباشد

۴۸. تب شدید که شبانه‌روز قطع نشود، بیماری حصبه که تب سخت و شدید دارد

۴۹. خون‌گرفتن از بدن، خون‌گرفتن با مکیدن و تیغ‌زدن

۵۰. احتمالاً زالو مد نظر بوده است.

۵۱. چشم، ذات و نفس

۵۲. سرفه، گرفتگی و خشن شدن صدا

۵۳. کمتر، کمترین:

بجان او که گرم دسترس بجان بودی کمینه پیشکش بندگانش آن بودی. (حافظ)

References:

1. Haroon Khan Sherwani, History of the Qutb Shahi Dynasty, New Delhi, p. 44-50, 1974
2. Haroon Khan Sherwani, Muhammad-Quli Qutb Shah, Bombay, p. 25, 1976
۳. استرآبادی، محمد مؤمن: «رسالة مقداریه»، فرهنگ ایران زمین، به کوشش ایرج افشار و...، سال دهم، ۱۳۴۱ش، صص ۴۰۸ - ۴۳۶
4. Haroon Khan Sherwani, «Tawn Planning and Architecture of Haidarabad under the Qutb Shahis», Islamic Culture 50/2, 1976, pp. 61-70; Vijay K. Bawa, «The Politics Architecture in Qutb Shahi Hyderabad: A Priliminary Analysis», Studies in History of the Deccan, Medieval and Modern, eds. by M. A. Nayeem et al., Delhi, 2002, pp. 329-341
۵. کریمی زنجانی اصل، محمد: دارالعلم‌های شیعی و نوزایی فرهنگی در جهان اسلام، تهران: اطلاعات، ص ۳۸، ۱۳۸۶
۶. فهرست مشروح بعض کتب نفیسه قلمیه (حصه دوم) مخزونه کتابخانه آصفیه سرکار عالی، حیدرآباد دکن، ۱۳۵۷ ق، ج ۲، صص ۴۷۲ - ۴۷۹؛ سید محسن امین، اعیان الشیعة، بیروت، ۱۹۸۳ م، ج ۲، ص ۴۶۰، ج ۸، ص ۱۸۳؛ شیخ آقا بزرگ طهرانی، الروضة النضرة فی علماء المائة الحادية عشرة (طبقات اعلام الشیعة: قرن ۱۱ ق)، به کوشش علی‌نقی منزوی، بیروت، ۱۹۹۰ م، ص ۲۱؛ دانشنامه ادب فارسی، زیر نظر حسن انوشه، تهران، ۱۳۸۴ش، ج ۴، بخش ۳، صص ۲۵۵۶ - ۲۵۵۷
۷. نظام‌الدین احمد گیلانی، مضمار دانش، به کوشش نادر حائری، با مقدمه دکتر عارف نوشاهی، تهران، ۱۳۷۵ش؛ همو، «رسالة منافع موت»، با مقدمه و تصحیح آزاده کرباسیان و محمد کریمی زنجانی اصل، اطلاعات حکمت و معرفت، سال دوم، شماره ۱۰، دی ۱۳۸۶ش، صص ۵۸ - ۶۰.
۸. نیر واسطی: تاریخ روابط پزشکی ایران و پاکستان، اسلام آباد، ص ۴۶، ۱۳۵۳
۹. فهرست مشروح بعض کتب نفیس قلمیه (حصه دوم) مخزونه کتب خانه آصفیه سرکار عالی، حیدر آباد دکن، ص ۴۷۳، ۱۳۵۷هـ.ق
۱۰. شیرازی، نظام‌الدین احمد: حقیقه الاسلاطین: به تصحیح سید علی اصغر گیلانی، حیدرآباد، ص ۱۶۷، ۲۲۵، ۲۳۱-۲۴۳، ۲۷۲، ۱۹۶۱ م
۱۱. منزوی، احمد: فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، ج ۱، اسلام‌آباد، ص ۴۶۵، ۱۳۶۲ش، (۱۰۵۹ ق)
۱۲. محمد صالح کنبو: شاهجهان نامه: به تحشیه غلام یزدانی، به تصحیح و تجدیدنظر وحید قریشی، ج ۳، لاهور، ص ۱۷۰، ۱۹۷۲ م